



پروژه بازآفرینی مجموعه تاریخی مقبره الشعراي تبریز از سال ۸۳ شروع ولی نیمه‌کاره رها شده است. عکس: بهزاد عزیزپور، باشگاه خبرنگاران جوان



رنج‌نامه پدری دل‌شکسته و دادخواه

جمشید رحمانیفر

نسیم جان سلام، بابا امروز هم مثل خیلی از روزهایی که دلم می‌گیرد، مرمخصی ساعتی گرفتم، زدم زیر میز، پریدم توی ماشین و پرکشیدم به طرف قطعه ۷۰ یهشت زهرا کنار مزارت. گاهی به نقطه‌ای که هوایبما اوکراین سقوط کرد می‌روم، به جای زمین‌خوردنت خیره می‌شوم و با اشک شاخه کلی و فاتحه‌های نثارت می‌کنم. الان اینجا خلوت است و فقط من هستم و تو. گاهی صدای برگ‌های زردی که برای آمدن پاییز عجله دارند و هیاهوی میهم کلآغ‌ها این‌سکوت را می‌شکنند، رنج‌های دوران جنگ و بیماری طولانی و سخت این سال‌ها را شکست داده‌ام اما دوری تو کم‌تر را شکسته، سرم در برابر پاین است، چراکه قول داده بودم برای احقاق حق تو، حق خانواده و حق مردم از پا ننشینم. با این همه هنوز از پا ننشسته و از نفس نیفتاده‌ام. بابا اگرچه شرمندهم اما هنوز سر قوالم هستم و با پس نمی‌کشم. بیماری و اندوهم را با خیره‌سری پس می‌زنم و در جست‌وجوی عدالت روزها را سپری می‌کنم. بگذار همین‌جا کنار مزارت نامه‌ای را که برای احقاق حقت نوشته‌ام بلندبلند برایت بخوانم:

♦♦♦

موضوع این رنج‌نامه، دادخواهی خانواده‌ای سوگوار است که ختر جوانش را در فاجعه سقوط هوایبما اوکراین از دست داده است.

ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی می‌گوید: «هرکس به‌طور گسترده مرتکب فعالیت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکذیب و... کرده به گونه‌ای که موجب اخلاص شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی... در سطح وسیع گردد مقسد فی‌الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد». طبق همین ماده تاکنون شاهد دستگیری، محاکمه و محکومیت افراد بسیاری بوده‌ایم. با این همه متأسفانه گویا برخی مسئولان کشور عملا از این قانون مستثنا بوده و هستند و به‌توعی شاهد سیاست یک‌بام و دو هوا هستیم. واقعیت تلخ این است که انتشار گزارش‌های خلاف واقع از طرف برخی مسئولان به مردم نمونه‌های بسیار دارد، اما از باب مثال به دو مورد اشاره می‌شود؛ اولی ناآرامی‌های آبان ۹۸

چهارشنبه ۳۱ شهریور ۱۴۰۰ • ۱۵ صفر ۱۴۴۳ • ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۱
سال نوزدهم • شماره ۴۱۰۳ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۵۷ • اذان مغرب ۱۸:۱۹

اذان صبح فردا ۴:۲۹ • طلوع آفتاب ۵:۵۳

فardashargh@gmail.com

روزنامه‌فروا

نور نوشت

هر بار که وارد اینستاگرام می‌شوم، پُست‌هایی می‌بینم که عمادانه توسط مراکز تولید شده و سعی دارد بر رفتار سیاسی و اجتماعی کاربر تأثیر بگذارد. حتی موضوعات فنی و تخصصی، مثل بیماری کرونا و واکسن، بهانه‌ای برای وقوع شدیدترین زدوخوردهای مجازی شده است. افرادی در تهران، واشنگتن، لندن، تل‌آویو، آلبانی و جاهای دیگر، سازماندهی شدند و نمی‌دانند که دارند به چه دوقطبی عمیقی دامن می‌زنند و کشورمان را در معرض چه خطرات بزرگی قرار می‌دهند. جامعه ایران، در یک فرایند خزنده، چنان دچار دوقطبی خطرناکی شده است که هر موضوع کوچکی، به‌سرعت تبدیل به یک معضل اجتماعی می‌شود و تداوم این روند، کیان کشور را با تهدید جدی مواجه می‌کند. دست‌کاری عمدی در تولید و پخش پیام در رسانه‌های اجتماعی، عامل اصلی این تهدید فراینده است و اگر چاره‌ای اندیشیده نشود، تبعات آن دامن‌گیر همه گروه‌های اجتماعی و سیاسی خواهد شد. حال برخی مقامات، با درک این خطر، اجرای بدترین راهکار را که همان مسدودسازی قانونی فضای مجازی است، در پیش گرفته‌اند و تحقق آن، دوقطبی در جامعه را شدیدتر و رادیکالیزه خواهد کرد. اخیرا محققان دانشگاه نیویورک با انتشار گزارشی، شبکه‌های اجتماعی را از جمله عوامل مهم تشدید دوقطبی‌های سیاسی دانستند که منجر به خشونت‌های افراطی می‌شود. طبق یافته‌های این تحقیق که دوره پنج سال اخیر را بررسی کرده، استفاده گسترده از شبکه‌های اجتماعی، نفرت از صاحبان دیدگاه‌های مخالف را در میان کاربران تشدید کرده است. معضل دوقطبی‌شدن فراینده در ایران، از نابرابری در کسب درآمد، تبعیض در برخورداری از مزیت‌های سیاسی و اقتصادی، تبعیض‌های قومی و زبانی، نابرابری در امکانات شهری و روستایی، تبعیض در شرایط و فرصت‌های اجتماعی، نابرابری جنسیتی، نابرابری در دسترسی به امکانات رسانه‌ای و هنری و نیز نابرابری در برخورداری

اقلیمی و جغرافیایی ناشی شده و بی‌توجهی به اینها، باعث رشد احساس عمومی محرومیت اجتماعی بین مردم مخصوصا جوانان می‌شود و می‌تواند پیامدهای ناگواری چون زوال شهری، آشوب اجتماعی داشته باشد. دوقطبی‌شدن اجتماعی، تهدید بالقوه‌ای است که با تشدید این نابرابری‌ها، منجر به انشقاق اجتماعی می‌شود، به نحوی که گروه‌ها در انتهای سلسله‌مراتب اجتماعی، رشد می‌یابند و بخش میانی نحیف می‌شود. رسانه‌های دیجیتالی با تقویت ارتباط افراد در حلقه‌های هم‌فکر و هم‌گرا، مصرف خبری سوگیرانه و تعصب‌آمیز را تسهیل می‌کند و در شرایط فقدان «حوزه عمومی مشترک» به جهت کژکارکردی رسانه‌های بزرگ و اصلی، به منزوی و قطبی‌شدن می‌انجامد که نتیجه آن شدت‌یافتن قشربندی و خصومت‌های اجتماعی است. بررسی اجمالی عناصر تأثیرگذار در این فضا، نشان می‌دهد رویکرد سیاست‌گذاران، غالباً رویکرد امنیتی است. کنشگران سیاسی خارج از کشور که مخالف موجودیت نظام جمهوری اسلامی هستند، تشدید این دوقطبی را جزء اهداف خودشان می‌دانند و برای این کار هزینه می‌کنند. آنها به شکل سازمان‌یافته، هر جریان خبری را که هم‌راستا با اهدافشان باشد، بزرگ‌نمایی می‌کنند و با هم‌افزایی رسانه‌های ماهواره‌ای و جریان‌سازی در فضای مجازی به آن دامن می‌زنند. در مقابل این حرکت، سیاست‌گذاران داخلی، بدیل همان سیاست را اجرا می‌کنند و به تولید محتوای تدروانه مخالف آن جریان مبادرت می‌کنند. این سیاست در نهایت با تشدید دوقطبی، به نفع براندازان تمام می‌شود. به‌خورد درست با چنین فضایی، باید مبتنی بر اتخاذ سیاست کاهش دوقطبی اجتماعی و سیاسی باشد؛ از طریق پاسخ درست و حرفه‌ای به نیاز خبری مردم و اصلاح انحراف عملکرد خبری رسانه ملی و خبرگزاری‌های بزرگ که عملا در زمین طرف مقابل و در جهت تشدید دوقطبی بازی می‌کنند. سیاست‌گذاری رسانه‌های اجتماعی، باید مبتنی بر ترویج گفت‌وگو باشد. برخی رسانه‌های اصولگرا ازجمله خبرگزاری فارس، اخیرا سیاست‌های قابل دفاعی در این زمینه اتخاذ کرده‌اند، اما عملا تأثیرگذاری محدودی دارند، ولی سیاست کلی کشور همان حفظ و تقویت فضای

صاف و ساده

صف‌آرایی در برابر هم

تش‌های مداوم جناحی و برخورد‌های حذفی است که آب به آسیاب مخالفان نظام می‌ریزد و کشور را به سمت دوقطبی مهارناپذیر پیش می‌برد. درباره دوقطبی‌سازی، دکتر دامون سنتورا، استاد ارتباطات دانشگاه پنسیلوانیا، تحقیقات مفصلی انجام داده که قرار است چند ماه دیگر در ابتدای سال جدید میلادی در کتابی با عنوان «تغییر: قدرت در حاشیه برای ایجاد رویدادهای بزرگ» منتشر شود. او از اثربخشی «اتاق پژواک» سخن می‌گوید که تمثیلی از امکان تبادل اطلاعات، ایده‌ها، باورها و دیدگاه‌های متفاوت است. وی معتقد است با ترویج اتاق پژواک در رسانه‌های اجتماعی، افراد با عقاید متضاد، امکان تبادل نظر می‌یابند. پژوهش‌هایی که این دانشمند انجام داده، نشان می‌دهد، افراد بعد از گفت‌وگو، نظرات متعادل‌تری نسبت به گذشته می‌یابند که این نیاز جدی امروز جامعه ماست. اغلب شبکه‌های اجتماعی در منوی خود، این امکان را فراهم کرده‌اند؛ اینستاگرام با لایو گفت‌وگومحور و کلاب‌هاوس که اوج فضای گفت‌وگویی است. در همین ماجرای واردات واکسن، گروه‌های اصولگرا و اصلاح‌طلب، با اتخاذ مواضع کاملا غیرقنی و غیر حرفه‌ای، عملا به تشدید دوقطبی کمک کردند. اگر در این مسئله، به جای تولید محتوای تعصب‌آمیز و سوگیرانه، رسانه‌های بزرگ دو طرف منازعه، فضا را به سمت گفت‌وگو می‌بردند، مثلاً صداوسیمیا یک سویه عمل نمی‌کرد و در یک بخش خبری پربیننده، از دو طرف ماجرا دعوت می‌کرد صحبت کنند. این فضای دیاولوگ، به تلطیف دیدگاه‌ها کمک می‌کرد. اما متأسفانه، رسانه‌های بزرگ با عناد روی برخی نظرات، برعکس این کار را انجام دادند؛ بر دیدگاه مخدوش خود پافشاری کردند و فضای خبری را دودستی در اختیار عناصر مخالف و برانداز قرار دادند و به تضعیف نظام کمک کردند. شوربختانه تواتر و تکرار این نوع برخورد‌ها و تنش‌ها، چنان است که شیعه نفوذ در ارکان سیاست‌گذاری رسانه‌ای را تقویت می‌کند. همه کنشگران سیاسی موافق و مخالف باید بدانند تشدید دوقطبی اجتماعی، به صف‌آرایی مردم در برابر هم می‌انجامد، هیچ‌سچ از آن سود نمی‌برد و موجودیت کشور در معرض آسیب اساسی قرار می‌گیرد. اگر دل در گرو اعتلای مام میهن داریم، صلاح در این است که با هر دیدگاه و اندیشه‌ای به فضای گفت‌وگو برگردیم.

صاف و ساده



درباره شکل‌گیری سازمانی عجیب‌وغریب به نام «طب مکمل»

شواهد شما کو؟

همان طب مبتنی بر شواهد است که اولین پایه‌های آن بزرگانی مانند ابوعلی سینا، رازی و جرجانی در آزمایشگاه‌ها و کالبدشکافی‌های خود به آن رسیدند.
طب مبتنی بر شواهد به‌سادگی به معنای آن است که هر اقدام تشخیصی و درمانی باید براساس مستندات و شواهد مورد بررسی قرار بگیرد و با دلایلی کافی تأیید یا رد شود.
مثال بسیار ساده‌ای می‌تیم تا بحث مشخص شود: مثلا مدعی هستیم نبات برای امراض گوارشی مفید است. طب مبتنی بر شواهد این‌ فرضیه را رد نمی‌کند بلکه به بررسی آن می‌پردازد. در طب مبتنی بر شواهد ابتدا این فرضیه مطرح می‌شود که نبات ممکن است در درمان دردهای گوارشی مفید باشد. برای بررسی اثربخشی این ماده در درمان و ایمن‌بودن، آزمایشی طراحی می‌شود که در این آزمایش دو گروه در دو شاخه مختلف قرار می‌گیرد. در هر دو گروه افراد با مشکلات گوارشی یکسان قرار می‌گیرند. برای یک گروه نبات و برای گروه دیگر ماده بی‌ضرر اما بدون فایده (موسوم به پلاسبو یا دارونما تجویز می‌شود) سپس براساس بررسی علائم بالینی و نتایج و یافته‌های آزمایشگاهی و بالینی بررسی می‌شود تا مشخص شود که آیا مستندات و شواهد علمی باعث تأیید فرضیه می‌شود یا رد آن.
مطالعات علمی گسترده با مراحل بالینی برای مثال طراحی و ساخت واکسن برای بیماری کووید۱۹ حداقل اثبات قابل مطمئن باشدیم که مرحله اول آن بررسی آزمایشگاهی واکسن، مرحله دوم بررسی آن بر روی حیوانات آزمایشگاهی، مرحله سوم تأثیر آن در میان گروه اندکی از انسان‌ها و مرحله چهارم دریافت کرده است.

صاف و ساده



صاف و ساده



دکتر امیر صدری
مدیر روابط عمومی
نظام پزشکی تهران بزرگ

طرحی موسوم به تشکیل «سازمان طب مکمل» در مجلس شورای اسلامی وجود دارد. فارغ از اینکه به احتمال زیاد این طرح در کمیسیون بهداشت رای نخواهد آورد و اصلا به صحن عمومی مجلس نخواهد رفت، اما همین طرح موضوع و رسیدن آن به مجلس هم زنگ خطر را به صدا درمی‌آورد.

در سال‌های اخیر تلاش‌های زیادی برای پروبال‌دادن به چیزی غیر از طب معمول امروز با هر اسم دیگری که برای آن می‌شود متصور بود (از طب سنتی، اسلامی، ایرانی، پیشینیان و کهن یا دهه‌ها اسم دیگر که تنها برای این به کار می‌روند که گزینه‌هایی غیر از طب امروزی را روی میز بگذارند) وجود داشته و کلیت همه این تلاش‌ها این است که پای کسانی را که در حوزه‌هایی غیر از طب امروزی فعال هستند به حیطه درمان باز کند.

در همین آغاز بحث موضوعی را مطرح می‌کنم که توجه به آن راه‌گشاست: چیزی به نام طب سنتی و طب مدرن نداریم. طب مدرن یا چیزی که طب امروزی می‌نامند، درواقع پایه‌هایش بر طب دیروز بنا شده است. بزرگان طب دیروز جهان مثل ابن‌سینا، جرجانی، رازی، هاروی، پاستور و کِخ از این جهت نام‌آور بودند که از زمانه خود پیش بودند. علم آنان نتیجه تلاش و پژوهش و طرح فرضیه و بررسی این فرضیه‌ها و بررسی و جمع‌آوری مستندات و مدارک و رسیدن به نتایج علمی بود. این دقیقا

نسیم جان، کاش بودی و غلط‌های نامه‌ام را تصحیح می‌کردی. گرچه من برمی‌گشتم و می‌گفتم: بچه‌های هنوز! نامه من حرف نداره. کجاش ایراد داره؟ و تو با شیظنت جواب می‌دادی: سرر تا پاش! و من می‌گفتم برو پدرسوخته دنبال زندگی‌ت! این چه دختری بود که خدا نصیب من کرد؟ و تو شادمانه می‌خندیدی و می‌گفتی: حال می‌کنی که من دترم؟ و من سررانجام در برابر کم می‌آوردم و می‌زدم زیر خنده. بابا جان می‌دانم که اولاً اصل عدالت را خداوند بزرگ اجرا خواهد کرد، در ثانی افکار عمومی در این موضوع داور می‌کرده‌اند. با این همه هنوز برده سوم از عدالت که مجازات عاملان اصلی است اجرا نشده. امروز باز پیشمت آمده‌ام تا عهدم را تکرار کنم که تا اجرای عدالت و مجازات مقصران اصلی این فاجعه، از پای نخواهم نشست و از پای نخواهم نشست. من و مادر و برادرت هنوز ناباورانه چشم به در دوخته‌ایم تا برگردی. یکی، دو روز دیگر مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها و همه جای دنیا بازگشایی می‌شوند. دانشجویان و استادان دانشگاه البترای کانادا جایبت را خالی می‌کنند. در کلیه ماتم‌زده ما هم جایبت همیشه خالی و یادت همیشه باقی است.

بابای سوگوار و دادخواه تو

صاف و ساده



صاف و ساده

یورنیوز: پل روسسایاگینا، مردی که سرنوشتش الهام‌بخش ساخت فیلم «متل رواندا» شده بود به ۲۵ سال زندان محکوم شد. دستگاه قضائی رواندا وی را به دلیل «پایه‌گذاری و عضویت» در جبهه آزادی که یک گروه مسلح است، محکوم کرده است. این گروه سال ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ حملات مرگ‌باری را در رواندا ترتیب داده بودند.

روتیترز: نایب بولکه، رئیس جمهور ۴۰ساله السالوادور توضیحات بیوگرافی پروفایل توئیتر خود را به «دیکتاتور السالوادور» تغییر داد؛ اقدامی که ظاهرا برای به‌تسمخ‌رگرفتن منتقدانی که وی را به داشتن تمایلات خودکامه متهم می‌کنند، انجام شد. بولکه اخیرا قضاتی را منصوب کرده و آنها در حکمی اعلام کردند که او می‌تواند برای دومین دوره متوالی رئیس‌جمهور شود.

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده

صاف و ساده